سیاست

روحانی:

همه ملت باید پشت سر نیروهای مسلح و مذاکره کنندگان باشند

حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن روحانی با بیان اینکه تنگه هرمز باید پررونق و برای ما اهرم امنیت باشد و در برابر توطئه اخیر ترامپ تسلیم نمی‌شویم، تاکید کرد: همه ملت باید پشت سر نیروهای مسلح و مذاکره کنندگان باشند. حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن روحانی، رییس جمهور پیشین ایران روز دوشنبه ۹ شهریور، در دیدار جمعی از استانداران، معاونان استاندار و فرمانداران دولت‌های یازدهم و دوازدهم، با تاکید بر اینکه تنگه هرمز باید تنگه امنیت ما باشد، اظهار داشت: تنگه هرمز باید تنگه پررونق باشد. تنگه بی کشتی به چه درد می‌خورد؟ ما که نمی‌خواهیم تجارت جهانی را بی‌رونق کنیم؛ اما در عین حال در این تنگه باید امنیت ما و عمان هم مدنظر قرار بگیرد. اگر یک کشتی بخواهد عبور کند که امنیت عمان یا ایران را تهدید بکند، این قابل قبول نیست. ما عبور بی‌ضرر را می‌پذیریم که مقررات بین‌المللی هم همین را می‌گوید. رییس جمهور ایران در دوره‌های یازدهم و دوازدهم، توطئه اخیر ترامپ برای جنگ جدید اقتصادی علیه ایران را محکوم به شکست دانست و گفت: باز هم با همت، ایستادگی و مقاومت مردم، دولت و کشور ما در برابر این توطئه تسلیم نخواهد شد و من تردید ندارم بسیاری از کشورهای دنیا هستند که در برابر ترامپ ایستادگی خواهند کرد و با ایران مبادلات خودشان را ادامه می‌دهند. او با انتقاد از ایجاد دوقطبی‌ها بی‌اساس و نادرست در جامعه تصریح کرد: یکی فکر می‌کند اگر از دیپلماسی حمایت کند، معنی‌اش این است که نمی‌خواهد از نیروهای مسلح حمایت کند. مگر اینها با هم منافات دارند؟ نیروی مسلح برای کشور کار می‌کند، دیپلماسی هم برای کشور کار می‌کند، موشک هم برای کشور کار می‌کند. اصلا اینها اگر با هم نباشند، مساله حل نمی‌شود. روحانی افزود: اگر می‌خواهیم امروز دیپلماسی ما به جلو حرکت بکند، باید همه بخش‌ها در کنار دیپلماسی باشند. دیپلماسی وقتی موفق است که طرف مقابل حس کند که کل ملت ایران، پشت سر این آقایان است. حالا هر که می‌خواهد مذاکره کند. هر که مسوول مذاکره است، فرق نمی‌کند، همه باید پشت سر آنها باشیم. کما اینکه پشت سر نیروهای مسلح هم باید باشیم، فرق نمی‌کند. همه احساس کنند نیروی مسلح مال خودشان است. این جنگ مال خودشان است. مقاومت و ایستادگی مال خودشان است. او در این زمینه خاطره‌ای بیان کرد: در بهمن سال ۹۳ من یک سفر استانی به اصفهان رفتم. استقبال مردم در همه استان‌ها البته غرورآفرین بود اما استقبال مردم در اصفهان فوق‌العاده بود. شب آقای کری به آقای ظریف گفته بود که ما استقبال مردم اصفهان را از روحانی دیدیم، ما پیام را گرفتیم، یعنی نمی‌توانیم در برابر این دولت بایستیم، باید تسلیم شویم. حضور و محبت مردم اصفهان باعث شد ۱+۵ سر فرود بیاورد. روحانی با اشاره به اینکه در جنگ ایستادگی مردم تعیین‌کننده بود، اظهار داشت: این مردم بزرگ که این همه کار بزرگ و عظیم انجام دادند، ما نباید به آنها احترام کنیم؟ یعنی باز هم یک اقلیت ناچیز محترمند؟ یک اکثریت بزرگ باز هم کنارند؟ یعنی صداوسیما نباید ملی شود؟ باز هم بعد از ۱۲ روز، نباید ملی شود؟ بعد از ۴۰ روز هم، نباید ملی شود؟ همچنان گروهکی باقی بماند؟ چه کسانی آنجا الان حرف می‌زنند؟ آقای رییس جمهور می‌گوید من نگاه نمی‌کنم، اصلا چه کسی می‌تواند نگاه کند؟ چه کسی حوصله دارد نگاه کند؟ چه کسی اعصاب دارد که اینها را گوش کند؟ رسانه را که می‌شود در اختیار همه گذاشت. اینکه یک لحظه است، اینکه یک ساعت است، می‌شود این رسانه را در اختیار کل ملت ایران گذاشت، ملت ایران بیاید و حرف بزند، همه بیایند و حرف بزنند، نه یک گروه محدودِ معدود چند ده نفری و چند صد نفری که فقط آنها باشند و بقیه هم حوصله نکنند حتی نگاه کنند. حوصله نکنند گوش کنند.

جزییات سخنگوی ارتش درباره حمله اخیر ارتش به پایگاه‌های امریکا

سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اشاره به دو تجاوز امریکا به نوار مرزی جنوبی کشور گفت: امریکایی‌ها در این دو تجاوز تلاش کردند کنترل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز را تضعیف کنند یا از بین ببرند، اما نیروهای مسلح با انجام عملیات‌های سریع، کوبنده و گسترده در برابر این تجاوزات واکنش نشان دادند. امیر سرتیپ محمد اکرمی‌نیا، سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌ای تلویزیونی با موضوع تنگه هرمز با اشاره به تجاوز اخیر امریکا به برخی نقاط کشور در نوار جنوبی اظهار کرد: امریکایی‌ها بامداد هشتم شهریور برای دومین بار پس از آتش‌بس دست به تجاوز علیه برخی نقاط کشور زدند. پیش از این نیز در شانزدهم تیرماه شاهد تجاوز امریکایی‌ها بودیم که تقریبا دو هفته به طول انجامید. در تجاوز اخیر نیز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این اقدام، عملیات‌هایی را علیه مواضع دشمن انجام دادند. وی افزود: امریکایی‌ها در این دو تجاوز متناوب علیه نوار مرزی جنوبی کشور تلاش کردند کنترل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز را تضعیف کنند یا از بین ببرند و حاکمیتی را که در این منطقه شکل گرفته و در حال تثبیت نهایی است، از میان بردارند. ما با این تجاوز قاطعانه برخورد کردیم و ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملیات‌هایی را انجام دادند که از نظر شکلی و محتوایی ویژگی‌های مختلفی داشت. سخنگوی ارتش با اشاره به سرعت پاسخ نیروهای مسلح گفت: از نظر شکلی، پاسخ ما بسیار سریع بود و حدود ۱۵ دقیقه طول کشید تا نخستین موشک‌ها و پهپادهای خود را به سمت پایگاه‌های دشمن روانه کنیم. این موضوع نشان‌دهنده آمادگی نیروهای مسلح برای پاسخگویی در برابر هر گونه تجاوز بود. ویژگی دوم، کوبندگی و حجم آتشی بود که بر سر نیروهای دشمن ایجاد شد و ویژگی سوم نیز گستردگی عملیات بود که سراسر جغرافیای منطقه عربی را در بر گرفت. امیر سرتیپ اکرمی‌نیا ادامه داد: از کشور اردن تا امارات، پایگاه‌های امریکا مورد هدف قرار گرفتند و زیر ضرب رفتند. ارتش جمهوری اسلامی ایران چهار پایگاه امریکا را در سه کشور منطقه هدف قرار داد؛ دو پایگاه در امارات، یک پایگاه در بحرین یعنی پایگاه شیخ عیسی و یک پایگاه نیز در کویت با پهپادها و موشک‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران مورد هدف قرار گرفت. بعدا با اطلاعات میدانی و تصاویر ماهواره‌ای مشخص شد که این عملیات بسیار موثر و مخرب بوده و پایگاه‌های دشمن آسیب‌های بسیار زیادی دیده‌اند. وی درباره استفاده از موشک در عملیات اخیر گفت: ارتش جمهوری اسلامی ایران در این عملیات از موشک‌های زمین‌به‌زمین فتح استفاده کرد که موشک‌هایی بسیار کارآمد هستند.

تحلیل فرشاد مومنی از فساد در اقتصاد ایران

چرا مبارزه با رانت بدون اصلاح ساختار به نتیجه نمی‌رسد؟

فساد اقتصادی در ایران موضوع تازه‌ای نیست. تقریبا در تمام برنامه‌های توسعه، اسناد بالادستی و شعارهای دولت‌های مختلف، «مبارزه با فساد»، «افزایش شفافیت» و «بستن گلوگاه‌های رانت» به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های حکمرانی اقتصادی مطرح شده است. با این حال، با وجود دهه‌ها قانونگذاری، ایجاد سامانه‌های نظارتی و برخوردهای قضایی، همچنان بخش قابل توجهی از اقتصاد با پدیده رانت، ناکارآمدی و توزیع غیرشفاف منابع مواجه است. واقعیت این است که فساد صرفا نتیجه تخلف چند فرد یا یک پرونده اقتصادی نیست، بلکه در بسیاری از موارد از دل ساختارهای تصمیم‌گیری، قیمت‌گذاری، تخصیص منابع و نبود شفافیت بیرون می‌آید. هر جا میان قیمت واقعی و قیمت دستوری فاصله ایجاد شود، هر جا دسترسی به منابع عمومی برای گروهی محدود آسان‌تر از دیگران باشد و هر جا اطلاعات به صورت نابرابر توزیع شود، احتمال شکل‌گیری رانت و فساد نیز افزایش پیدا می‌کند.

در سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین تلاش‌های سیاستگذاران برای کاهش این شکاف، اصلاح نظام ارز ترجیحی بود؛ سیاستی که موافقان آن معتقد بودند بخش بزرگی از رانت توزیع ارز را از بین می‌برد و منابع را به جای واسطه‌ها، مستقیما به مردم منتقل می‌کند. اما تجربه اجرای این سیاست نشان داد که حذف یک گلوگاه فساد، به تنهایی برای حل مساله کافی نیست و اگر همزمان سازوکارهای نظارتی، شفافیت و حمایت از معیشت تقویت نشود، هزینه اصلاحات می‌تواند بر دوش مردم قرار بگیرد.

چرا فساد باز تولید می‌شود؟

اقتصاد ایران طی سال‌های طولانی با مجموعه‌ای از قیمت‌گذاری‌های چندگانه، سهمیه‌بندی، ارزهای ترجیحی، یارانه‌های پنهان و مجوزهای متعدد اداره شده است. این ابزارها در بسیاری از موارد با هدف حمایت از تولید یا مصرف‌کننده طراحی شده‌اند، اما هر جا اختلاف میان قیمت رسمی و قیمت بازار شکل گرفته، زمینه برای کسب رانت نیز فراهم شده است. برای مثال، در دوره اجرای ارز ترجیحی، واردکنندگان کالاهای اساسی به منابع ارزی ارزان‌قیمت دسترسی داشتند؛ اما همواره این نگرانی وجود داشت که آیا همه این منابع دقیقا به مصرف‌کننده نهایی رسیده یا بخشی از آن در زنجیره واردات و توزیع از بین رفته است. همین تجربه بود که اصلاح سیاست ارزی را به یکی از مهم‌ترین بحث‌های اقتصادی سال‌های اخیر تبدیل کرد. دولت چهاردهم نیز در ادامه همین مسیر تلاش کرد بخشی از حمایت‌ها را از ارز ترجیحی به کالابرگ و پرداخت مستقیم منتقل کند؛ اقدامی که هدف آن کاهش رانت و افزایش شفافیت در توزیع منابع عنوان شد. هرچند این سیاست همچنان محل بحث کارشناسان است، اما اصل مساله یعنی ضرورت کاهش گلوگاه‌های فساد، مورد اتفاق نظر بخش بزرگی از اقتصاددانان است.

شفافیت؛ حلقه مفقوده اصلاحات

یکی از مهم‌ترین مشکلات مبارزه با فساد، نبود اطلاعات یکپارچه درباره جریان منابع عمومی است. در اقتصادی که دولت، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی، صندوق‌ها و نهادهای مختلف هر کدام بخشی از منابع را مدیریت می‌کنند، شفافیت نه یک انتخاب، بلکه پیش‌نیاز حکمرانی موثر است. سامانه‌های مالیاتی، گمرکی، ثبت معاملات، اطلاعات بانکی و داده‌های یارانه‌ای طی سال‌های اخیر توسعه یافته‌اند، اما هنوز فاصله قابل توجهی تا یک نظام داده‌محور وجود دارد؛ نظامی که بتواند مسیر حرکت پول، تسهیلات، یارانه و دارایی‌های عمومی را به صورت برخط رصد کند. به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان معتقدند مبارزه با فساد بیش از آنکه به افزایش تعداد پرونده‌های قضایی وابسته باشد، به کیفیت نظام اطلاعاتی و شفافیت اقتصادی وابسته است.

فرشاد مومنی: فساد را شخصی نبینیم

فرشاد مومنی، اقتصاددان و استاد دانشگاه، در تازه‌ترین اظهارات خود نگاه متفاوتی به مساله فساد ارایه کرده است. او معتقد است بزرگ‌ترین خطای سیاستگذاری، شخص‌محور دیدن فساد است؛ یعنی تصور اینکه با حذف یا مجازات چند فرد، مساله حل خواهد شد. به باور مومنی، فساد ذاتا پدیده‌ای پنهانکارانه است و برای شناخت آن باید به ریشه‌های نهادی توجه کرد، نه صرفا به رفتار افراد. او تاکید می‌کند: اگر ساختارهای اقتصادی، شیوه توزیع قدرت، نظام تصمیم‌گیری و سازوکارهای تخصیص منابع اصلاح نشوند، افراد جدید جای افراد قبلی را خواهند گرفت و چرخه فساد دوباره تکرار می‌شود. او همچنین هشدار می‌دهد که تمرکز صرف بر برخوردهای فردی، ممکن است افکار عمومی را از اصلاحات عمیق‌تر دور کند؛ در حالی که مبارزه واقعی با فساد نیازمند شفافیت، پاسخگویی و اصلاح قواعد بازی اقتصادی است. فرشاد مومنی، اقتصاددان، در نشست خبری موسسه مطالعات دین و اقتصاد با موضوع «نگاهی به آینده فسادستیزی در ایران» اظهار کرد: اگر اراده‌ای برای مواجهه عالمانه با مساله فساد وجود داشته باشد، مسیرهای بسیاری برای اصلاح باز می‌شود. وقتی بنیادین به مساله نگاه می‌کنیم، این رویکرد از جنبه معرفتی نجات‌بخش است؛ زیرا ما را از تحیر و سرگشتگی دور می‌کند. وی افزود: درباره فساد، میان متفکران توسعه یک اتفاق نظر وجود دارد و آن، این است که فساد، در ذات خود فعالیتی پنهانکارانه است. اگر بخواهیم نسبت به یک فعالیت پنهانکارانه شناخت عالمانه پیدا کنیم، باید سراغ نشانه‌ها برویم. تقریبا همه متفکران بزرگ توسعه از دریچه نشانه‌ها وارد مساله فساد شده‌اند و معتقدند با نشانه‌ها بهتر می‌توان مساله را به اندازه عمقی که دارد شناسایی و با آن برخورد کرد. مومنی ادامه داد: یکی از پرسش‌های بسیار بزرگ این است که چرا در بالاترین سطوح قاعده‌گذاری کشور ما، نه فقط در سال‌های اخیر بلکه در طول تاریخ، از بالاترین سطوح تا پایین‌ترین لایه‌های اجتماعی، فساد را شخص‌محور می‌بینند و راه‌حل‌هایی که ارایه می‌شود نیز شخص‌محور است. بارها در زندگی روزمره می‌شنویم که می‌گویند فردی را که فساد کرده بگیرید و اعدام کنید تا مایه عبرت دیگران شود و هر چه خشونت بیشتر باشد، عبرت بیشتری ایجاد می‌شود. وی افزود: در حالی که بسیاری از جامعه‌شناسان توسعه می‌گویند اگر ساختار نهادی در وقوع فساد مقصر باشد، اعدام افراد نمی‌تواند راه‌حل مساله تلقی شود. مجازات فرد فقط زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که محرز شود منشأ آن جرم صددرصد فردی بوده است؛ وگرنه اگر ساختار نیز در آن نقش داشته باشد، نمی‌توان تمام مسوولیت را متوجه فرد کرد. مساله به این سادگی نیست.

این اقتصاددان گفت: از طریق همین نشانه‌ها می‌توان به روشنی ردگیری کرد چه کسانی نفع می‌برند که فهم ما از فساد همچنان شخص‌محور بماند و فهم ما از راه‌حل‌هایی که ارایه می‌دهیم نیز همچنان شخص‌محور باشد.

مومنی با اشاره به آثار سوزان رز-اکرمن در زمینه فساد و دولت اظهار کرد: در میان متفکران بزرگ توسعه که تخصص اقتصادی دارند، این تلقی برجسته مطرح شده است که فساد یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌های ناتوانی ساختار قدرت در ایجاد انگیزش‌های تولیدی است. دلالت‌ها، تضمن‌ها و پیامدهای این فهم به اندازه‌ای گسترده است که می‌توان جلسات متعددی درباره آن بحث کرد. وی ادامه داد: بر اساس این نگاه، لازم نیست صرفا وارد مناقشه شویم که برای مثال بانک جهانی یا سازمان شفافیت بین‌الملل چه ماهیتی دارد. در کشور ما انعطاف عجیبی در برخورد با این گزارش‌ها وجود داشته است. برای مثال در دوره‌ای، وقتی این نهادها نشان دادند یکی از بزرگ‌ترین سقوط‌های تاریخی در رتبه پاکدامنی اقتصادی ایران رخ داده، گفته شد این نهادها امپریالیستی و صهیونیستی هستند و به دلیل اقداماتی که ما انجام می‌دهیم عصبانی‌اند و نباید به حرف آنها اعتنا کرد. وی افزود: اما دو سال بعد، وقتی همان دو موسسه از اندکی بهبود در وضعیت فساد ایران سخن گفتند، چنان تبلیغ شد که حتی بانک جهانی و شفافیت بین‌الملل نیز بر کارهای ما صحه گذاشته‌اند. این نشان می‌دهد نوعی انعطاف برای اصلاح‌ناپذیر ماندن وجود دارد و گاهی به هر وسیله‌ای مجهز می‌شویم تا باب پاسخگویی بسته شود. این اقتصاددان تاکید کرد: در ادبیات توسعه گفته می‌شود به جای ورود به چنین دعواهایی، حرارت‌سنج شما باید اوضاع و احوال تولید باشد؛ اگر تولیدکنندگان حال و روز خوبی دارند، می‌توان اطمینان بیشتری داشت که فساد کمتر است و اگر تولیدکنندگان وضعیت بدی دارند، باید دانست با سیطره گسترده فساد روبه‌رو هستیم؛ متناسب با بحرانی که در بخش‌های مولد اقتصاد وجود دارد.

دو سوم ظرفیت‌های تولیدی بلااستفاده مانده است

مومنی گفت: سیستمی که خود را در برابر فهم واقعیت‌ها و نصایح کارشناسی واکسینه می‌کند، ارزیابی عملکردش دشوار می‌شود. گزارش‌های رسمی از سال ۱۳۹۰ تاکنون درباره وضعیت واحدهای تولیدی بسیار گویاست. در آخرین گزارش‌های رسمی درباره اوضاع تولید در ایران، مطرح شده که چیزی حدود دو سوم ظرفیت‌های تولیدی نصب‌شده کشور بلااستفاده است. وی افزود: این در شرایطی است که دولت و دیگر اجزای ساختار قدرت، به‌ویژه سران قوا، در بسیاری از تصمیم‌ها مسوولیت مشترک دارند، اما هر مشکلی که رخ می‌دهد به کاهش دسترسی ارزی حواله داده می‌شود. در حالی که اگر از دریچه اوضاع تولید نگاه کنیم، می‌بینیم دو سوم ظرفیت نصب‌شده‌ای که برای آن هزینه شده، نیروی انسانی آن تربیت شده و زیرساخت‌هایش فراهم شده، به دلیل بستری نهادی که مشوق فساد و تضعیف‌کننده تولید است، بلااستفاده مانده است.

این اقتصاددان ادامه داد: اگر واقعا می‌خواهید فساد کم شود، باید این بستر را اصلاح کنید. با این حال، تقریبا تمام سیاست‌های اقتصادی که از سال ۱۳۹۰ تاکنون با شدت بیشتری در دستور کار قرار گرفته، از جمله سیاست‌هایی بوده که ضربه‌های مهلکی به تولیدکنندگان وارد کرده است.

شوک به قیمت حامل‌های انرژی، بحران تامین مالی تولید را تشدید می‌کند

مومنی اظهار کرد: در تمام گزارش‌های مربوط به فضای کسب‌وکار در ایران، از زمانی که این گزارش‌ها تهیه می‌شود تا امروز، یکی از نکات روشن این است که با هر شوک به قیمت حامل‌های انرژی، بحران تامین مالی سرمایه در گردش مورد نیاز تولیدکنندگان تشدید می‌شود.

وی افزود: من گزارشی از اظهارات صریح یکی از روسای بانک مرکزی دارم که می‌گوید پس از شوک درمانی، در بهترین حالت فقط می‌توانیم یک چهارم نیازهای مالی تولیدکنندگان را از کانال بازار رسمی تامین کنیم. معنای این سخن این است که سه‌چهارم نیاز تولیدکنندگان به بازار رباخواران احاله شده و تولیدکنندگان در اسارت این بازار قرار گرفته‌اند.

این اقتصاددان ادامه داد: چون می‌دانستم قدرت چانه‌زنی تولیدکنندگان صنعتی بسیار بیشتر از تولیدکنندگان کشاورزی است، موضوع را با یک نهاد پژوهشی مرتبط با کشاورزی مطرح کردم و پرسیدم آیا درباره تولیدکنندگان کشاورزی نیز بررسی مشابهی انجام شده است؟ پاسخ این بود که بله، اما صلاح دیده شده انعکاس عمومی پیدا نکند. به صورت غیررسمی به من گفته شد آن سهمی که برای تولیدکنندگان صنعتی حدود ۲۵ درصد است، برای تولیدکنندگان کشاورزی زیر ۱۰ درصد است.

وی تاکید کرد: یعنی شوک‌های وارد شده به قیمت‌های کلیدی مانند نرخ ارز و حامل‌های انرژی، تولیدکنندگان کشاورزی را با نسبت بسیار بیشتری به بازار رباخواران وابسته می‌کند. اگر بنا بر فهمیدن، یاد گرفتن و اصلاح باشد، ذخیره دانایی موجود، هم در مقیاس جهانی و هم در تجربه‌های داخلی، به اندازه کافی گویاست.

از ظرفیت خالی تولید تا افزایش فقر و بزهکاری

مومنی با اشاره به اظهارات یک مقام رسمی قوه قضاییه گفت: چند سال پیش یک مقام رسمی اعلام کرد تعداد زندانیان کشور در آن مقطع سه برابر ظرفیت زندان‌ها بوده است. اگر این موضوع را از دریچه همان ادبیات توسعه ببینیم، معنا روشن می‌شود؛ وقتی فقط از بخش محدودی از ظرفیت تولید استفاده می‌کنیم و این وضعیت فقر، فلاکت و وابستگی را افزایش می‌دهد، از دل چنین شرایطی جرم و انواع بزهکاری نیز شدت پیدا می‌کند و در نهایت تعداد زندانیان از ظرفیت زندان‌ها فراتر می‌رود.

وی افزود: این تجربه ایرانی به‌خوبی نشان می‌دهد چرا وضعیت بنگاه‌های تولیدی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های فساد است. این اقتصاددان گفت: باید پرسید چه مناسباتی حاکم است که در حالی که متوسط استفاده از ظرفیت تولیدی کشور در سطح بسیار پایینی قرار دارد، با شیوه‌های مختلف آزادسازی واردات کالاهایی روبه‌رو هستیم که امکان تولید آنها در داخل وجود دارد. در اینجا می‌توان سلطه غیرقابل باور مافیاها بر فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع را مشاهده کرد. وی افزود: افرادی که در ظاهر در ساختار تصمیم‌گیری حضور دارند، دست کم بر اساس سوابقشان ممکن است انسان‌های صادق و خوبی باشند و وقتی سخن می‌گویند نیز سطوحی از دلسوزی در آنها دیده شود، اما دلسوزی بدون صلاحیت علمی و تخصصی کافی نیست. وقتی دو سوم ظرفیت‌های تولیدی بلااستفاده است و در همان حال با واردات گسترده کالاهای قابل تولید در داخل روبه‌رو هستیم، باید به مناسباتی توجه کرد که نتیجه تصمیم‌ها را شکل می‌دهد.

برای طلا و خودروهای لوکس ارز هست، برای دارو و مواد اولیه نیست؟

مومنی ادامه داد: از طریق رسانه به مردم می‌گویند اگر نمی‌توانیم مواد اولیه مورد نیاز تولیدکنندگان، برق و گاز کافی برای تولید یا داروی مورد نیاز کشور را فراهم کنیم، به این دلیل است که ارز نداریم. پرسش این است که چگونه ممکن است ارز نداشته باشیم، اما برای واردات گسترده و مشکوک طلا که می‌تواند به تب سوداگری دامن بزند، ارز وجود داشته باشد؟

وی افزود: چگونه برای واردات خودروهای لوکس، لوازم آرایشی و انواع مصرف‌های لوکس ارز وجود دارد، اما برای مواد غذایی مردم، داروی مردم و مواد اولیه تولیدکنندگان گفته می‌شود ارز نداریم؟

این اقتصاددان گفت: در اوج فشارهای بیرونی که بحران دسترسی به ارز را تشدید می‌کند، گاهی بانک مرکزی با گشاده‌دستی اعلام می‌کند افراد برای دریافت ارز با کارت ملی و بدون تعهد مشخص مراجعه کنند؛ در حالی که خود مقامات بانک مرکزی بارها گفته‌اند ارزی که با عنوان کنترل نرخ ارز وارد بازار غیررسمی می‌شود، می‌تواند قاچاق را تسهیل کند، زیرا این بازار هم محل تامین مالی واردات قاچاق و هم محل تبدیل دارایی کسانی است که می‌خواهند سرمایه خود را از کشور خارج کنند.

مسوول نمی‌تواند بگوید «نمی‌توانم» و صندلی‌اش را هم ترک نکند

مومنی با انتقاد از برخی اظهارات مدیریتی گفت: در انتخابات گفته می‌شود همه امکانات، نیروی انسانی، فهم و ابزار لازم را داریم و فقط رای بدهید تا کارها حل شود، اما پس از استقرار در مسوولیت گفته می‌شود، نمی‌توانم. اگر مدیری نمی‌تواند، نمی‌تواند همزمان صندلی مسوولیت را نیز ترک‌ناپذیر بداند.

وی افزود: من در یکی از سخنرانی‌ها گفته‌ام حتی فرض کنید ما وجود نداریم؛ خودتان بنشینید و برای کارتان راهی پیدا کنید. اینکه مسوولیت پذیرفته شود، اما پاسخگویی نسبت به نتیجه وجود نداشته باشد، علامت خوبی نیست.

این اقتصاددان ادامه داد: وقتی رباخواران تا این درجه بر تولیدکنندگان صنعتی و کشاورزی مسلط شوند، با یکی از منحط‌ترین جلوه‌های سرمایه‌سالاری غیرپاسخگو و یک مالی‌سازی رهاشده و افراطی روبه‌رو خواهیم شد.

وی با اشاره به کتابی درباره فساد در نظام سرمایه‌سالار گفت: در این نوع مناسبات، به جای آنکه پول در خدمت تولید قرار گیرد، خود پول منشا زایش پول می‌شود. این مناسبات سرمایه‌سالارانه وحشی در جهان نقابی با عنوان «بازاری‌سازی همه‌چیز» بر چهره می‌زند، اما بازاری‌سازی بدون نهادهای پشتیبان بازار، با مفهوم نظری بازار رقابتی تفاوت اساسی دارد. مومنی افزود: به همین دلیل است که گاهی می‌گویم برخی کسانی که در ایران زیر پرچم بازارگرایی سینه می‌زنند، آبروی بازار و بازارگرایی را برده‌اند. این نوع بازار، بازار اولیگارش‌ها و مافیاهاست. امروز تقریبا همه جریان‌های سیاستگذاری بر یک نکته توافق دارند؛ اینکه فساد هزینه‌ای سنگین برای رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و اعتماد عمومی ایجاد می‌کند. اختلاف اصلی، نه بر سر ضرورت مبارزه، بلکه درباره شیوه آن است. تجربه حذف ارز ترجیحی نشان داد اصلاح یک سیاست می‌تواند بخشی از رانت را کاهش دهد، اما همزمان ضرورت حمایت از معیشت مردم و تکمیل سازوکارهای نظارتی را نیز آشکار کرد. از سوی دیگر، توسعه سامانه‌های شفافیت، اصلاح نظام بانکی، کاهش امضاهای طلایی و داده‌محور شدن حکمرانی، گام‌هایی هستند که هنوز بخش مهمی از آنها پیش رو قرار دارد. در نهایت، مبارزه با فساد زمانی به نتیجه پایدار خواهد رسید که از یک پروژه مقطعی به یک اصلاح ساختاری تبدیل شود؛ اصلاحی که به جای تمرکز بر افراد، قواعدی را تغییر دهد که امکان شکل‌گیری رانت و فساد را به حداقل برساند. همین نگاه نهادی است که فرشاد مومنی نیز بر آن تاکید می‌کند و آن را شرط اصلی موفقیت هر برنامه ضدفساد در اقتصاد ایران می‌داند.

پزشکیان:

منابع حاصل از کاهش مصرف بنزین صرف تقویت کالابرگ خواهد شد

رییس جمهوری با تاکید بر ضرورت اطلاع‌رسانی شفاف، دقیق و به‌موقع به مردم پیش از اجرای تصمیمات گفت: سیاست‌ها و برنامه‌های دولت باید با مردم در میان گذاشته شود و اجرای آنها به‌صورت تدریجی و با فراهم کردن الزامات لازم صورت گیرد.

جلسه هماهنگی مدیریت ناترازی انرژی با حضور مسعود پزشکیان، رییس جمهور و جمعی از مسوولان دستگاه‌های ذی‌ربط برگزار شد و در آن، آخرین وضعیت تولید، ذخایر و توزیع بنزین، روند اجرای طرح‌های متنوع آزمایشی در استان‌های مختلف و وضعیت میزان مصرف سوخت و همچنین اقدامات صورت گرفته و قابل انجام برای افزایش تاب‌آوری حوزه انرژی به‌صورت دقیق و کارشناسی مورد بررسی قرار گرفت.

در این نشست همچنین ابعاد و نتایج اجرای طرح رزاق با هدف قانونمند کردن فرآیند فروش و عرضه سوخت در مناطق مرزی، به‌صورت آسیب‌شناسانه بررسی شد و آخرین وضعیت مقابله با قاچاق سوخت، چالش‌های موجود و راهکارهای موثر برای مدیریت این پدیده مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

رییس جمهور در این جلسه با تاکید بر اینکه رویکرد دولت در حوزه انرژی، به‌ویژه در موضوع بنزین، آگاهانه، تدریجی و مبتنی بر در نظر گرفتن شرایط و دغدغه‌های مردم است، تصریح کرد: سیاست دولت، مدیریت و کنترل مصرف با استفاده از ابزارها و سیاست‌های عمدتا غیرقیمتی است و به هیچ‌عنوان نباید تصمیمات این حوزه به‌گونه‌ای اتخاذ شود که جامعه با رفتارهای ناگهانی و شوک‌آور مواجه شود.

پزشکیان با تاکید بر ضرورت اقناع و همراه‌سازی جامعه افزود: سیاست‌ها و برنامه‌های دولت باید با مردم در میان گذاشته شود و اجرای آنها به‌صورت تدریجی و با فراهم کردن الزامات لازم صورت گیرد. اطلاع‌رسانی شفاف، دقیق و به‌موقع به مردم پیش از اجرای هر تصمیم نیز باید به‌طور جدی در دستور کار قرار داشته باشد تا ضمن افزایش آگاهی عمومی، زمینه اقناع و مشارکت مردم در اجرای برنامه‌ها فراهم شود. رییس جمهور همچنین با تاکید بر اینکه مردم، محور اصلی تصمیم‌گیری‌های دولت در حوزه انرژی هستند، اظهار داشت: هر میزان صرفه‌جویی و درآمد حاصل از کاهش مصرف بنزین، صرف تقویت طرح کالابرگ خواهد شد و محل مصرف دیگری برای این منابع در نظر گرفته نخواهد شد.

پزشکیان افزود: مهم‌ترین دغدغه ما، دغدغه مردم است و در تمامی مراحل اجرای برنامه‌ها و تصمیمات، از جمله موضوع سهمیه‌ها و مدیریت استفاده از کارت‌های سوخت جایگاه‌ها، باید به‌گونه‌ای عمل شود که نارضایتی و فشار مضاعف بر مردم ایجاد نشود. در هر مرحله که اجرای یک سیاست با مشکل یا چالشی برای مردم مواجه شد، باید موضوع با سرعت بررسی و برای رفع آن اقدام شود.

رییس جمهور تاکید کرد: دولت به‌دنبال تحمیل دستور یا تصمیمی بر مردم نیست و هر جا اجرای یک برنامه با اشکال یا پیامد ناخواسته‌ای مواجه شود، اصلاح آن در دستور کار قرار خواهد گرفت. همراهی مردم و مشارکت آنان در مدیریت مصرف انرژی نیز ضرورتی اساسی برای تضمین پایداری و استمرار خدمت‌رسانی است.

پزشکیان در ادامه بر بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌های مقابله با قاچاق سوخت تاکید کرد و گفت: استفاده از فناوری‌های نوین برای رصد و پایش هوشمند خودروها و جریان توزیع سوخت باید توسعه یابد.

رییس جمهور خاطرنشان کرد: در مواجهه با تخلفات، باید ضمن تذکر و آگاهی‌بخشی، منشا و شبکه‌های اصلی قاچاق شناسایی و برخورد قانونی با عوامل اصلی صورت گیرد، چرا که مقابله موثر با قاچاق نیازمند تمرکز بر منشا و عوامل ایجادکننده آن است.

پزشکیان همچنین با اشاره به شرایط کشور و تلاش دشمنان برای ایجاد شکاف و اختلاف در جامعه اظهار داشت: دشمنان با استفاده از ابزارهایی همچون جنگ، محاصره و تحریم، به‌دنبال ایجاد اختلاف، شکاف و آشوب در داخل کشور هستند و ما نیز با تکیه بر وحدت، همدلی، هم‌افزایی و انسجام ملی، این نقشه‌ها را خنثی خواهیم کرد.

در این جلسه همچنین موضوع شناسه‌دار کردن کارت‌های سوخت جایگاه‌ها با هدف افزایش شفافیت در فرآیند توزیع و جلوگیری از قاچاق، اجرای طرح تنوع‌سازی سبد سوخت ناوگان‌های پرتردد با استفاده از سوخت‌های جایگزین از جمله LPG و CNG، اجرای طرح یک روز بدون خودرو برای کارکنان دولت مورد بررسی و تصویب قرار گرفت.

در این نشست تاکید شد اجرای مصوبات و برنامه‌های مدیریت ناترازی انرژی باید با رویکرد مرحله‌ای، مبتنی بر ارزیابی مستمر آثار و پیامدها، همراه با اطلاع‌رسانی شفاف و با اولویت حفظ آرامش اجتماعی، صیانت از حقوق مردم و استمرار پایدار خدمات انجام شود.

همچنین نشست «زیست‌بوم‌های تحول دیجیتال» صبح روز پنجشنبه ۱۲ شهریورماه ۱۴۰۵، با حضور مسعود پزشکیان و جمعی از وزرا و مسوولان اقتصادی دولت برگزار شد و طی آن، ابعاد مختلف توسعه زیرساخت‌های حکمرانی داده‌محور و الزامات تحقق دولت هوشمند مورد بررسی قرار گرفت.

در این نشست، سه محور اصلی شامل مکان‌محور کردن فعالیت‌ها و خدمات از طریق تکمیل پروژه‌های مرتبط با GNAF و داده‌های مکانی، توسعه زیست‌بوم‌های تحول دیجیتال و الزامات اطلاعاتی سرشماری سال ۱۴۰۵ در دستور کار قرار گرفت و گزارش‌هایی از روند اقدامات و الزامات اجرایی این حوزه ارایه شد.

رییس جمهور پس از استماع گزارش‌های ارایه‌شده، حکمرانی داده‌محور را یکی از الزامات اساسی برای تحول در نظام مدیریت کشور دانست و بر ضرورت تسریع در تکمیل زیرساخت‌های اطلاعاتی و ایجاد امکان بهره‌برداری موثر و نظام‌مند از داده‌های دستگاه‌های اجرایی تاکید کرد.

پزشکیان با اشاره به اهمیت اتصال و یکپارچه‌سازی داده‌های مکانی و هویتی و اطلاعات اقتصادی کشور اظهار داشت: اگر بتوان داده‌های حاصل از پروژه GNAF، اطلاعات موضو